



The University of Tehran Press

Assessing the Legitimacy of Temporary Detention by Non-State Actors in Non-International Armed Conflicts

Yalda Naghizadeh¹ | Seyed Hesameddin Lesani² | Seyed Yaser Ziaee³

1. Department of International law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Email: yaldanaghizadeh@gmail.com
2. Corresponding Author; Associate Prof, Department of Law, Hazrat-e-Masoumeh University, Qom, Iran. Email: h.lesani@hmu.ac.ir
3. Associate Prof, Department of Public and International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran. Email: yaserziaee@qom.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	The emergence and increasing growth of non-state actors, along with the subsequent rise in non-international armed conflicts in recent decades, has raised the issue of the legitimacy of detaining military and civilian personnel by these groups. In this research, the authors aim to examine the legality of detention by non-state armed groups. The findings indicate that international humanitarian law has not taken a clear position on this matter and has made the assessment of the legitimacy of temporary detention by non-state armed groups dependent on the domestic laws of states. This approach stems from the traditional view of states regarding the non-recognition of these non-state entities in the international community. In this context, according to the provisions of common article 3 of the 1949 Geneva Conventions and the 1977 Additional Protocol II, and by drawing on customary international humanitarian law, the implicit legitimacy of detention by non-state armed groups is justified particularly emphasizing security reasons, the principle of equality of parties in conflict, military advantage. Undoubtedly, regulating detention in the context of non-international armed conflicts enables humanitarian support for detainees in such conflicts.
Pages: 1329-1351	
Received: 2023/10/22	
Received in Revised form: 2024/02/27	
Accepted: 2024/11/07	
Published online: 2025/06/22	
Keywords: <i>detention, non-state actors, international humanitarian law, legality, non-international armed conflicts.</i>	
How To Cite	Naghizadeh, Yalda; Lesani, Seyed Hesameddin; Ziaee, Seyed Yaser (2025). Assessing the Legitimacy of Temporary Detention by Non-State Actors in Non-International Armed Conflicts. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (2), 1329-1351. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.367062.3420
DOI	10.22059/jplsqt.2024.367062.3420
Publisher	The University of Tehran Press.



بررسی مشروعیت بازداشت موقت توسط بازیگران غیردولتی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی

یلدا نقی‌زاده^۱ | سیدحسام‌الدین لسانی^۲ | سید یاسر ضیایی^۳

۱. گروه حقوق بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: valdanaghizadeh@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. رایانامه: h.lesani@hmu.ac.ir

۳. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: yaserziaee@qom.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۱۳۲۹-۱۳۵۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: بازداشت، بازیگران غیردولتی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، مشروعیت.	ظهور و رشد روزافزون بازیگران غیردولتی و به تبع آن افزایش مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در چند دهه اخیر، بحث مشروعیت بازداشت نیروهای نظامی و غیرنظامیان توسط گروه‌های مذکور را مطرح کرده است. در این پژوهش سعی نویسندگان بر آن است تا با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع امکان و اجازه بازداشت توسط گروه‌های مسلح غیردولتی با استناد به حقوق معاهده‌ای، عرفی و دیگر اصول حقوقی بپردازند. نتیجه بررسی‌ها حاکی از آن است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این خصوص موضع صریحی اتخاذ نکرده و ارزیابی مشروعیت بازداشت موقت توسط گروه‌های مسلح غیردولتی را تابع قوانین داخلی دولت‌ها ساخته است. این رویکرد، نشأت گرفته از دیدگاه سنتی دولت‌ها در زمینه عدم شناسایی رسمی این نهادهای غیردولتی در جامعه بین‌المللی بوده است. در این زمینه طبق مفاد ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ و یاری جستن از قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه، مشروعیت ضمنی بازداشت توسط گروه‌های مسلح غیردولتی به‌ویژه با تأکید بر دلایل و ضرورت‌های امنیتی، اصل برابری طرفین مخاصمه، کسب منفعت نظامی و سایر رویکردها توجیه‌پذیر است. بی‌گمان قاعده‌مند شدن بازداشت در حوزه مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، امکان حمایت بشردوستانه از بازداشت‌شدگان این نوع مخاصمات را میسر می‌سازد.
استناد	نقی‌زاده، یلدا؛ لسانی، سیدحسام‌الدین؛ ضیایی، سید یاسر (۱۴۰۴). بررسی مشروعیت بازداشت موقت توسط بازیگران غیردولتی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۵ (۲)، ۱۳۲۹-۱۳۵۱. DOI: https://doi.com/10.22059/10.22059/jpls.2024.367062.3420
DOI	10.22059/jpls.2024.367062.3420
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

موضوع بازداشت و به اسارت گرفتن افراد در مخاصمات مسلحانه توسط دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی واقعیتهایی انکارناپذیر است و اغلب به دلایل متعددی نظیر اهداف نظامی، مسائل امنیتی، انضباط و ضرورت نظامی انجام می‌پذیرد. در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز که از جمله مخاصمات غالب عصر حاضر تلقی می‌شود، این اقدام به کرات اتفاق می‌افتد. چنانکه در ژانویه ۲۰۲۰، کمیسیون بین‌المللی تحقیق سازمان ملل در سوریه^۱، گزارش مفصلی در خصوص اقدامات بازیگران غیردولتی نسبت به بازداشت افراد «مبتنی بر الگویی مشخص و منسجم» منتشر کرد (Heffes, 2022: 1). طبق گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در سال ۲۰۲۱، بیشتر از ۱۴۵ گروه مسلح غیردولتی مبادرت به بازداشت افراد در درگیری‌های مختلف کرده‌اند^۲ (ICRC, 2023: 1). شاهد این مدعا فعالیت‌ها و اقدامات این گروه‌ها در اقصی نقاط جهان نظیر حزب کمونیست نپال (مائوئیست)^۳، گروه فارک^۴ در کلمبیا، ببرهای آزادی‌خواه تامیل ایلیم در سریلانکا^۵، گروه طالبان در افغانستان (پیش از نائل شدن به قدرت در سال ۲۰۲۱)^۶، داعش در سوریه و عراق، جنبش آزادی‌بخش خلق سودان^۷ و ... است که اکثریت به اتفاق مبادرت به بازداشت نیروهای دولتی و غیرنظامیان کرده‌اند و در نتیجه حساسیتی در زمینه این موضوع شکل گرفته است (Tuck, 2011: 761).

ارزیابی‌های به‌عمل‌آمده از شیوه‌های بازداشت توسط گروه‌های مذکور تا حدود زیادی به سطح سازمان‌یافتگی گروه، میزان کنترل و تسلط آنها بر قلمرو سرزمینی و طرف مخاصمه‌ای که با آن در جنگ هستند، بستگی دارد. به هر حال این موضوع چالش‌های حقوقی و عملی متعددی را در حقوق مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی مطرح می‌کند که شامل دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی مانند فقدان ظرفیت لازم بازیگران مذکور برای تضمین شرایط انسانی بازداشت و ارائه تضمین‌های قضایی در موارد تعقیب کیفری می‌شود. از طرفی دیدگاه دولت‌ها نسبت به گروه‌های مذکور، رویکردی توأم با عدم پذیرش بوده و هرگونه تلاش برای مشروع جلوه دادن بازداشت توسط آنان را به‌منزله شناسایی قانونی بازیگران مذکور و در نتیجه تهدیدی برای حاکمیت و تمامیت ارضی خود تلقی می‌کنند^۸ (Heffes, 2022: 2).

1. UN International Commission of Inquiry on Syria

۲. طبق برآورد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، حدود ۷۰ میلیون نفر در مناطق تحت کنترل گروه‌های مسلح غیردولتی زندگی می‌کنند (ICRC, 2020).

3. Communist Party–Maoists (CPN-M)

4. Fuerzas Armadas Revolucionarias de Colombia (FARC)

نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا

5. Liberation Tigers of Tamil Eelam (LTTE)

۶. با خارج شدن نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا از افغانستان در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱، دولت پیشین افغانستان سقوط و کابل به دست طالبان افتاد.

7. Sudanese People's Liberation Army/Movement

۸. برای مثال، «اداره خودمختار شمال و شرق سوریه»، یک گروه مسلح غیردولتی بسیار سازمان‌یافته است که اقتدار عملی

در نظام بین‌المللی حقوق بشردوستانه، شواهد صریح و روشنی از اختیار و اجازه بازداشت افراد توسط بازیگران غیردولتی مشاهده نمی‌شود. بر اساس تفکری دیرینه، تحت قاعده درآوردن این موضوع به حقوق داخلی دولت‌ها محول شده و تنها نیروهای دولتی مجاز به بازداشت افراد هستند و از این رو گروه‌های مسلح مخالف دولت به‌عنوان طرف دیگر مخاصمه قانوناً مجاز به انجام این کار نیستند (Niyo, 2020: 12). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۱۵ به‌صراحت در سی‌ودومین کنفرانس خود خطاب به نمایندگان کشورها اعلام کرد که دولت‌ها هیچ تمایلی به قاعده‌سازی در مورد بازداشت افراد توسط گروه‌های مسلح غیردولتی و نیز اعطای شخصیت حقوقی به آنها طبق حقوق بین‌الملل ندارند (ICRC, 2015: Rep.32). به همین دلیل نیز دولت‌ها از اعطای وضعیت رزمنده و یا اسیر جنگی به افراد بازداشت‌شده عضو گروه‌های مذکور امتناع می‌ورزند. بدون شک این امری ناسازگار و در تضاد با اصل برابری طرفین در مخاصمات مسلحانه تلقی می‌شود. در واقع طرفین یک مخاصمه اعم از دولت‌ها و بازیگران غیردولتی طبق اصل برابری طرفین درگیری‌ها علی‌القاعده باید از تعهدات، آثار و امتیازات یکسانی حتی به‌طور نسبی در برابر یکدیگر برخوردار باشند.

اگر بخواهیم به‌طور منطقی به ماهیت این مسئله توجه کنیم، در هر مخاصمه‌ای صرف‌نظر از شکل و نوع آن یعنی بین‌المللی و غیربین‌المللی، بازداشت افراد به لحاظ امنیتی محتمل است و تفکیک آن مبنای منطقی ندارد. چنانکه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه موسیک^۱ عنوان کرد که بازداشت نیروهای جنگی و غیرنظامیان تنها به دلایل امنیتی و قانونی توجیه‌پذیر است و کسانی مستحق بازداشت هستند که تهدیدی واقعی برای امنیت فعلی و آینده طرف مقابل مخاصمه محسوب شوند (ICTY, 2008: Case No. IT-96-21-A). آقای موهان^۲، دانش‌آموخته دانشگاه ژنو طی یادداشت خود تحت عنوان «بازداشت به دلایل امنیتی در مخاصمات غیر بین‌المللی» برداشت خود از موضع دادگاه کیفری یوگسلاوی را این‌گونه بیان کرد که هر فردی چه در جایگاه یک نیروی نظامی و چه در جایگاه یک غیرنظامی زمانی که تهدیدی برای طرف مخاصمه محسوب شود، بازداشت آن صرف‌نظر از نوع مخاصمه توجیه‌پذیر است (Mohan, 2022: 1).

خود را بر بخشی از سرزمین و جمعیت سوریه اعمال می‌کند. گروه مذکور قوانین مکتوبی را در خصوص پروتکل‌های مربوط به بازداشت افراد تصویب کرده و حتی نسبت به جرم‌انگاری اقدامات برخی از اعضای دولت اسلامی (به روشی مشابه با آنچه دولت‌ها عمل کرده‌اند) اهتمام ورزیده است.

2. Mucic Case

3. Chen Mohan

آقای چن موهان دانش‌آموخته دانشگاه ژنو در رشته حقوق بین‌الملل و همچنین دارای درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه ووهان چین است.

در هر صورت واقعیت این است که در حال حاضر شناسایی بازیگران غیردولتی به عنوان یک طرف مخاصمات اجتناب‌ناپذیر بوده و بحث حقوق و تکالیف آنها در قبال جامعه بین‌المللی و در چارچوب حقوق بین‌المللی بشردوستانه موضوعیت یافته است. در این زمینه ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل دوم الحاقی (۱۹۷۷) به کنوانسیون‌های مذکور که از اصلی‌ترین منابع حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی هستند، در پاسخ به ابهامات مطروحه تا حدودی راهگشا هستند. در این میان نقش قواعد عرفی به عنوان یکی دیگر از منابع حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی را نمی‌توان نادیده گرفت که به طور حتم می‌تواند رهیافت‌هایی در خصوص مشروعیت بازداشت توسط بازیگران غیردولتی ارائه نماید.

علی ای حال با توجه به علاقه شخصی نویسندگان به جنبه‌های مختلف مخاصمات مسلحانه و قلمت مقالات تألیف‌شده در خصوص موضوع مورد بحث، انگیزه و موجباتی برای پژوهش در این زمینه میسر شد. در این زمینه سؤالات متبادر شده به ذهن عبارت‌اند از: ۱. آیا قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به گروه‌های مسلح غیردولتی مجوز و مبنای حقوقی برای بازداشت اعطا کرده است؟ در صورت ابهام در قواعد و هنجارهای موجود، بازداشت توسط بازیگران غیردولتی بر چه اساس و مبنای حقوقی توجیه‌پذیر است؟ در این پژوهش سعی بر این است با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به پرسش‌های مذکور پاسخ مقتضی داده شود.

۲. تحلیل امکان بازداشت توسط بازیگران غیردولتی از منظر حقوق معاهدات

پاسخ به این پرسش که آیا بازداشت توسط گروه‌های مسلح غیردولتی در مخاصمات غیربین‌المللی مجاز و مشروع است، بستگی به این مهم دارد که از منظر چه رژیم حقوقی بخواهیم به پرسش مربوط پاسخ دهیم؟ نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، گروه‌های مسلح غیردولتی را از بازداشت نیروهای دولتی نه منع کرده و نه مجوز صریح در این خصوص اعطا کرده است. در واقع راهبرد حقوقی مشخصی در خصوص شرایط، موجبات و رویه‌های بازداشت در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی پیش‌بینی نشده است. در نظام بین‌المللی حقوق بشر، بازداشت خودسرانه با ممنوعیت مطلق مواجه است و هرگونه اقدام به بازداشت مطابق با قوانین و مقررات موضوعه انجام می‌پذیرد.^۱ چنانکه طبق بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی

۱. بر خلاف دولت‌ها، گروه‌های مسلح غیردولتی متعهد به معاهدات حقوق بشری نبوده و در بسیاری از موارد قادر به ایفای وظایف دولت محور نیستند، به‌ویژه وقتی که اجرای هنجارهای حقوق بشر منوط به برخورداری از ساختاری دولتی است (Dormann, 2012: 349). البته طبق تفسیر ارائه‌شده توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ: «به نظر می‌رسد پذیرفته شده است که گروه‌های مسلحی که کنترل ارضی بخشی از سرزمینی مشخص را در دست داشته و وظایفی مشابه با

حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ کس نمی توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون» (ICCPR, 1966: Art.9). رعایت این چارچوب در فضای مخاصمات مسلحانه با محدودیت مواجه بوده و با توجه به ماهیت و شرایط درگیری ها تا حدود زیادی غیرواقع بینانه و بدون در نظر گرفتن اوضاع و احوال جنگی است. آنچه مسلم است الزامات حقوق بین الملل بشردوستانه و قوانین بین المللی حقوق بشر در شرایط جنگی باید به صورت توأمان مدنظر قرار گیرند. به هر حال هر دو رژیم حقوقی به صورت تکمیلی در مخاصمات غیر بین المللی و در خصوص موضوع بازداشت اعمال می شوند.

در مخاصمات مسلحانه بین المللی به موضوع بازداشت به قدر کفایت در کنوانسیون های سوم و چهارم و نیز در پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ پرداخته شده، به نحوی که بیشتر از ۲۰۰ ماده به بحث بازداشت افراد و نیروهای نظامی اختصاص داده شده است (ICRC, 2015: 37). حال در زمینه مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی، قواعد بسیار اندکی به این موضوع اختصاص یافته و اکثراً به چگونگی رفتار با بازداشتی ها بسنده شده است. به این موضوع در سی و یکمین کنفرانس بین المللی کمیته صلیب سرخ نیز اشاره شده است (ICRC, 2015: 37).

علی ای حال از اصلی ترین منابع مرتبط با موضوع بازداشت در این نوع مخاصمات، ماده ۳ مشترک و پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی دوم (به کنوانسیون های ژنو) است که قابل اعمال بر طرفین مخاصمه یعنی دولت ها و بازیگران غیردولتی اند. ماده ۳ مشترک اشاره ای کلی به موضوع بازداشت توسط طرفین مخاصمه داشته و حداقل ضوابط و استانداردهای رفتاری را در خصوص بازداشت شدگان تبیین می کند. طبق بند ۱ ماده مذکور: «افرادی که مشارکت فعالی در درگیری ها ندارند نظیر نیروهای مسلحی که سلاح بر زمین گذاشته و آن هایی که از کارافتاده یا بیمار و یا تحت بازداشت هستند ... باید با آنان رفتار انسانی در پیش گرفته شود». چنانکه ملاحظه می شود، تمایزی میان نیروهای مسلح یک کشور و نیروهای متعلق به گروه های مسلح غیردولتی ایجاد نشده و به صورت ضمنی تأیید می نماید که امکان بازداشت نیروهای مسلح دولتی در شرایط یک مخاصمه غیر بین المللی نیز وجود دارد. همچنین در متن این ماده عبارت کلی هر طرف مخاصمه^۱ ذکر شده که شامل نهادهای دولتی و هم غیردولتی می شود^۲.

دولت ها را اجرا می کنند، مآلاً مسئولیتهایی را بر اساس قوانین حقوق بشر بر عهده دارند». به هر حال این موضوع

هنوز محل بحث و مناقشه است (Pictet Commentary, 1952).

1. each party to the conflict

۲. جالب توجه است که عبارت «each party to the conflict» عامدانه از متن پروتکل دوم الحاقی حذف شده است (ICRC Commentary, 1987: para.1335).

مویر^۱ نیز در کتاب خود با عنوان *حقوق مخاصمات مسلحانه داخلی*، عنوان می‌کند: «بدیهی است این ماده قصد ایجاد وظایف و تعهداتی برای هم دولت‌ها و هم شورشیان دارد» (Moir, 2002: 53). در قسمت «د» بند ۱ ماده ۳ نیز در خصوص گذراندن مدت محکومیت، ممنوعیت اعدام بدون حکم دادگاه، اعطای تضمین‌های قضایی و ... اشاره شده است (CA3, 1949: Para.1). در واقع یک «قدرت ذاتی»^۲ تا ترجیحاً یک «حق ذاتی» برای بازیگران غیردولتی قابل تصور است، تا جایی که موجب نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه (ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی) و به جنایت جنگی منجر نشود^۳ (Said, 2015: 68).

در تکمیل اقدامات حمایتی ماده ۳ مشترک، پروتکل دوم الحاقی طی مواد ۴ تا ۶ قواعدی را در زمینه چگونگی رفتار با بازداشت‌شدگان و افراد محروم از آزادی بیان می‌کند.^۴ ماده ۴ علاوه بر تأکید بر رفتار انسانی با افراد بازداشت‌شده بدون هیچ‌گونه تمایز و تبعیض، طی بند ۲ موارد دیگری را به فهرست اعمال ممنوعه ماده ۳ مشترک اضافه می‌کند. ماده ۵ در خصوص ایجاد امکانات و فراهم کردن ملزومات ضروری برای بازداشت‌شدگان و ماده ۶ در خصوص ضمانت‌های قضایی و فرایندهای دادرسی افراد موردنظر است (APII, 1977, Art.4-6).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قواعد مذکور به‌طور یکسان بر طرفین مخاصمه اعمال می‌شوند. در نتیجه یک اختیار و قدرت ذاتی برای بازداشت در مخاصمات غیربین‌المللی برای طرفین مخاصمه محفوظ است که بدون شک اصل و اساس آن نشأت گرفته از قواعد حقوق عرفی و تفسیرهای به‌عمل آمده از رویه‌های قضایی موجود است. برای مثال در قضیه تادیچ، دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق اظهار کرد که حذف کردن اختلافات میان دو نوع مخاصمه با بسط و توسعه قواعد ناظر بر مخاصمات بین‌المللی به غیربین‌المللی به‌منظور افزایش حمایت از قربانیان یا افراد متأثر از این نوع مخاصمات ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (Tadic Case, 1997). طبق اصل لوتوس^۵ نیز اگر حقوق بین‌الملل انجام رفتار ویژه‌ای را منع نکرده باشد، اقدام به آن عمل یا رفتار بلامانع است. یکی دیگر از رویه‌های قضایی موجود در این زمینه، مربوط به قضیه حمدان در مقابل رامسفلد است (U.S.C., 2004: 2).

1. Moir

2. Inherent or implied power

۳. این احتمال وجود دارد که در صورت اقدامات غیرقانونی گروه‌های مسلح غیردولتی در بازداشت افراد و نیروهای مسلح دولتی، مسئولیت حقوقی متوجه آنها شده و دولت‌ها طبق قوانین داخلی و همچنین ماده ۱ مشترک کنوانسیون ژنو آنها را محکوم سازند.

۴. مشروط بر رسیدن به آستانه لازم تصریح‌شده در پروتکل دوم الحاقی و قابلیت اجرای آن بر گروه‌های مسلح غیردولتی، مواد ۴ (۲)، ۵ و ۶ رفتار بازیگران مذکور را در خصوص بازداشت در سرزمین دولت متعاقد به پروتکل دوم تنظیم می‌کنند.

5. Lotus Principle, retrieved from Lotus Case (France v Turkey), 1927.

521). در این خصوص دیوان عالی ایالات متحده در سال ۲۰۰۴ به صراحت اعلام کرد که اختیار برای بازداشت در خلال مخاصمات طولانی مدت با اصول دیرینه جنگی سازگار است و در نهایت در قضیه حملیلی در مقابل اوپاما، دادگاه فدرال ایالات متحده اذعان کرد که اختیار برای بازداشت منطبق با اصول قوانین جنگی ناظر بر مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است (D.D.C., 2009: 70).^۲

بی‌گمان رویکرد دولت‌ها مبنی بر ممنوعیت مطلق بازداشت توسط گروه‌های مسلح غیردولتی قواعد معاهده‌ای مذکور (ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی) را زیر سؤال می‌برد. به عبارتی دیدگاه مبتنی بر ممنوعیت مطلق بازداشت، بحث تدوین قوانین و مقررات در این حوزه را در عمل منتفی و بلااثر می‌سازد (Murray, 2017: 437).

از سویی با مرور بر مفاد اسناد و ماده‌های مذکور، می‌توان دریافت که اهتمام قانونگذاران متمرکز بر نحوه رفتار با زندانیان تا اصل مشروعیت اقدام به بازداشت بوده است. به عبارتی اقدام به بازداشت از منظر تدوین‌کنندگان ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی امری بدیهی بوده و از این رو صرفاً به تبیین موارد ممنوعیت در زمینه اسرا و زندانیان اکتفا شده است.

۳. بازداشت از منظر اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه

۳.۱. اصل برابری طرفین مخاصمه

یکی از مهم‌ترین اصول مطرح‌شده در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل برابری طرفین^۳ مخاصمه است. حقوق بشردوستانه ضوابط و هنجارهای یکسانی را برای هریک از طرفین مخاصمه بدون توجه به مشروعیت مخاصمه و یا ماهیت طرفین مخاصمه در نظر می‌گیرد. بر اساس ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی تصریح شده است که همه طرف‌های یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی دارای حقوق و تعهدات مشابهی‌اند. متن صریح ماده ۳ مشترک گویای این مطلب است که اجرای ماده مذکور نباید بر وضعیت حقوقی طرفین مخاصمه تأثیری داشته باشد. از این منظر هم دولت‌ها و هم بازیگران غیردولتی، دقیقاً ملزم به تبعیت از قواعد مشابه هستند. محققان این به مفهوم برابری طرفین از همه جهات و جنبه‌ها نیست، بلکه تأکید بر یکسان بودن حقوق و وظایف آنها در چارچوب یک مخاصمه مسلحانه بوده و تمام این حقوق و تکالیف دارای خصوصیات بشردوستانه محض است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر خود از ماده ۳ مشترک و مواد پروتکل دوم الحاقی نیز موضعی مبنی بر برابری طرفین درگیری در مخاصمات غیربین‌المللی اتخاذ کرده است. کمیته به صراحت اظهار می‌کند که مبنای ماده ۳ مشترک

1. Hamdi v. Rumsfeld

2. Hamli v. Obama

3. The principle of the "equality of belligerents"

مبتنی بر اصل برابری طرفین مخاصمه است (ICRC, 2016: Paras.53-504). دیدگاه مبتنی بر اصل برابری طرفین مخاصمه در جریان کارهای مقدماتی کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۷۴-۱۹۷۷ (که به‌منظور تدوین پیش‌نویس پروتکل‌های الحاقی تشکیل شده بود)، مورد توجه بود و دولت‌هایی مثل فرانسه قویاً از آن دفاع کردند (CDDH/I/SR.40,1975: Para.34). در این رابطه کلافام^۱ معتقد است در صورت انکار اصل برابری طرفین مخاصمه در درگیری‌های غیر بین‌المللی، در این صورت حق و اختیار به بازداشت برای نیروهای مسلح دولتی نیز منتفی است (Clapham, 2017: 2).

۲.۳. الزامات امنیتی

محققان حوزه حقوق بین‌الملل بر این باورند که اقدام به بازداشت در مخاصمات مسلحانه از این واقعیت نشأت می‌گیرد که طرفین درگیری، بازداشت‌شدگان را تهدیدی جدی علیه امنیت گروه و یا دولت تلقی می‌کنند و تا مادامی که این تهدید برطرف نشود، اقدام به بازداشت ادامه خواهد داشت. این دیدگاه برگرفته از حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی نیز است (IRRC, 2009: 870). الزامات امنیتی از منظر نویسندگان یکی از ابعاد «ضرورت نظامی» است که از اصول عرفی حوزه مخاصمات محسوب می‌شود. طرفین یک مخاصمه با استناد به اصل «ضرورت نظامی» با کمترین هزینه مالی و جانی به اهداف جنگی خود (البته در چارچوب حقوق جنگ) نائل می‌شوند. در این زمینه بازداشت نظامیان یا افراد مظنون، برای رعایت الزامات امنیتی هر طرف مخاصمه می‌تواند به‌عنوان یکی از ایمن‌ترین راهکارها تلقی شود.

شایان ذکر است ماده ۳ مشترک آن دسته از بازداشت‌های غیرقانونی را که تبعیض‌آمیز است و همچنین بازداشت‌های خودسرانه را ممنوع کرده و^۲ از آن به‌عنوان رفتاری غیرانسانی یاد می‌کند. ممنوعیت بازداشت خودسرانه طبق قاعده ۹۹ حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی نیز تصریح شده است (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005: Rule 99). آنچه استنباط می‌شود این است که صرف‌نظر از بازداشت‌های غیرقانونی و خودسرانه، به دلایلی از جمله موارد امنیتی بازداشت توسط بازیگران غیردولتی توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد. در خصوص اقدام به بازداشت به دلیل الزامات امنیتی ضروری، در مواد ۴۲ و ۷۸ کنوانسیون چهارم ژنو نیز اشاره شده است (GCIV, 1949: Art 42&78). از سویی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل برابر با قطعنامه شماره ۱۹۵۵/۷۷^۳ از گروه‌های مسلح

1. Clapham

۲. بازداشت افراد باید قانونی باشد و هر فرد بازداشت‌شده باید از دلایل بازداشت خود مطلع شده و به‌عبارتی تفهیم اتهام شود.

۳. ذکر این مطلب ضروری است که پیش از این کمیسیون حقوق بشر تحت قطعنامه ۱۹۷۷/۷۴ موضعی متفاوت با قطعنامه صدرالاشاره داشته است، چنانکه در قطعنامه اسبق هرگونه بازداشت توسط گروه‌های سیاسی را ممنوع اعلام کرده که

غیردولتی درخواست کرده تا از بازداشت خودسرانه غیرنظامیان خودداری ورزند. کمیته حقوق بشر در ملاحظه تفسیری خود از بحث بازداشت به دلایل امنیتی به این نکته اشاره می کند که این اقدام تحت شرایط استثنایی یعنی در جایی که تهدید قریب الوقوع، مستقیم و ضروری باشد، توجیه پذیر است (Albert, 2023: 13). به گفته زگولد^۱ ارکانی نظیر کمیسیون حقوق بشر و مشابه آن این ممنوعیت را از کنوانسیون چهارم ژنو استنتاج کرده اند (GV IV, 1949, Art.78). به هر حال صرف نظر از منبع آن، چنین تفسیری از سوی کمیسیون فوق مبنی بر این است که تنها بازداشت های خودسرانه در مخاصمات مسلحانه توسط بازیگران غیردولتی ممنوع بوده و آن دسته از بازداشت هایی که به سبب تهدیدها و ضرورت های امنیتی صورت می گیرد، مستثنا هستند (Zegveld, 2002: 65). البته در این میان برخی محققان حوزه حقوق بشردوستانه نظیر آپارا^۲ نیز معتقدند که حقوق بین الملل بشردوستانه اجازه بازداشت افراد به دلایل امنیتی در مخاصمات مسلحانه غیربین المللی را صرفاً طبق قطعنامه های صادره از شورای امنیت پیش بینی می کند (Opara, 2019: 68). به نظر می رسد صدور مجوز بازداشت توسط شورای امنیت، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی در این زمینه باشد تا آزادی افراد به هر بهانه ای متأثر از اقدامات طرفین مخاصمه نشود.

در خصوص بازداشت به سبب الزامات امنیتی، شایان ذکر است که بیشتر محققان این حوزه بر بازداشت به «دلایل ضروری امنیتی»^۳ تأکید کرده اند که در واقع حدود و ثغور این ضرورت باید به طور دقیق تبیین شود. مصادیق بازداشت به لحاظ امنیتی متعدد بوده و دایره شمول گسترده ای برای آن متصور است. به طور مثال افراد مظنون به جاسوسی، تروریست ها، هکرها، اطلاعاتی و می توانند موجبات بازداشت برای طرفین مخاصمه را ایجاد کنند. بی گمان ایجاد مبنای حقوقی، هرگونه عرصه را برای بازداشت خودسرانه تنگ می کند. برای تهدید امنیتی به مانند آنچه در پروتکل دوم الحاقی در خصوص شدت مخاصمه، آستانه مشخصی تعیین شده است، می توان آستانه تهدید تعیین کرد.

۳.۳. کسب مزیت نظامی^۴

از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه و در جریان یک درگیری، برای کسب حداکثر امتیازات و

به نظر می رسد نشأت گرفته از قانون بین المللی حقوق بشر و معاهدات مربوطه باشد که دولت ها را تنها مقام مجاز در بازداشت افراد بر اساس قوانین سرزمینی می انگارد. زگولد این قطعنامه را به نوعی خروج موضوعی از ماده ۳ مشترک کنوانسیون ژنو و پروتکل دوم الحاقی تلقی می کند (Zegveld, 2002: 66).

1. Zegveld
2. Opara
3. for imperative reasons of security
4. Military Advantage

دستاوردهای نظامی، طرفین یک مخاصمه افراد را برای خلع سلاح و جلوگیری از هرچه بیشتر تخریب و زمین گیر کردن نیروهای جنگی بازداشت می کنند. در واقع معقول به نظر می رسد بازیگران غیردولتی به جای حمله مستقیم به نیروهای دولت سرزمینی و یا کشتار آنان، به صورت مشروع و قانونی اقدام به بازداشت افراد کنند و بدین طریق سبب کاهش قدرت نظامی طرف دیگر مخاصمه شوند. طبق اظهارات ساسولی^۱: «طرفین مخاصمات مسلحانه افراد را با هدف جلوگیری از خدمت در طرف دیگر مخاصمه بازداشت می کنند و بدین طریق درصدد کسب امتیازات نظامی می شوند. اگر بازیگران غیردولتی به طور قانونی قادر به بازداشت نیروهای دولتی نباشند، گزینه دیگری جز شکنجه، رفتارهای غیرانسانی و یا کشتن طرف دیگر مخاصمه (نیروهای دولتی) نخواهند داشت» (Sassoli & Olson, 2008: 618). قانونی بودن بازداشت در این خصوص، سبب پوشش جنبه های حمایتی حقوق بشردوستانه به ویژه در خصوص افرادی می شود که دیگر مشارکتی در مخاصمه ندارند. محاصره و بازداشت ۶۲ نفر از نیروهای سلطنتی نپال در سال ۲۰۰۵ در منطقه کالیکوت^۲ توسط حزب کمونیست نپال یکی از چند صد موارد این اقدامات به شمار می آید (ICRC New Release, 2011: 05/51). از این بازداشت ها، به بازداشت های موقت^۳ یاد می شود و بازداشت شدگان تا زمانی در حبس خواهند بود که منافع نظامی گروه یا حتی ملاحظات سیاسی و امنیتی آنان مرتفع شود (Tuck, 2011: 762).

کسب منفعت نظامی از طریق بازداشت توسط بازیگران غیردولتی، در واقع یک منفعت غیرمستقیم محسوب می شود. اگرچه در بحث منفعت نظامی باید «اصل تناسب»^۴ مدنظر قرار گیرد، چنانکه ضرر و آسیبی بیش از آنچه عرف شرایط مخاصمه است متوجه طرف دیگر مخاصمه، غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی نشود. به طور مثال هدف قرار دادن مراکز و امکانات پزشکی طرف دیگر مخاصمه خلاف قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه است. کسب منفعت نظامی برای بازیگران غیردولتی به هنگام آزاد کردن اسرا در ازای اخذ امتیازات از طرف دیگر مخاصمه یعنی دولت سرزمینی موردنظر راهبردی بسیار مهم محسوب می شود. از طرفی اقدام به بازداشت افراد و نیروهای نظامی دولتی توسط گروه های مذکور، به نوعی به نمایش گذاشتن آیین نامه انضباطی و نظامی در مناطق تحت کنترل آنها و متعاقباً تلاشی برای اثبات خود به منظور حفظ جایگاه گروه در مقام تابع حقوق بین الملل است؛ و این امر مهم ترین منفعت نظامی کسب شده از راهبرد بازداشت برای بازیگران غیردولتی است.

اگرچه مطالب مذکور به صراحت در ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی ذکر نشده، لیکن چارچوب

1. Sassoli

2. Khalikot

3. De facto Internment

4. Principle of proportionality

و اصول کلی حاکم بر رفتار طرفین مخاصمه در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی عنوان شده است که می‌توان از آن در حوزه مخاصمات غیر بین‌المللی نیز استفاده کرد.

۳.۴. اعطای ضمانت‌های قضائی

در ماده ۳ مشترک تصریح شده که صدور حکم و اجرای هرگونه اعدام بدون رأی صادرشده توسط دادگاهی عادلانه و با لحاظ همه ضمانت‌های قضائی شناسایی‌شده توسط ملل متقدم، در رابطه با افراد مورد حمایت این ماده ممنوع است. ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی نیز این موضوع را با توجه به معیارها و استانداردهای مقتبس از مواد مندرج در کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو و همچنین با الهام از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تکمیل کرده است (Dormann, 2012: 352). فحوائ کلی ماده‌های قانونی یادشده حاکی از این است که به گروه‌های مسلح غیردولتی به‌عنوان یکی از طرفین مخاصمه، به‌صورت ضمنی و تلویحی امکان تشکیل و برگزاری دادگاه‌های منظم و مستمر به‌منظور فراهم کردن تضامین قضائی را اعطا می‌کند.^۱ الزام به برپایی یک دادگاه عادلانه در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در رژیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی و توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأیید شده است. در این زمینه، دولت‌ها تا حدودی ظرفیت حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی را برای اجرای یک نظام قانونگذاری و قضایی به رسمیت می‌شناسند. تفسیر به‌عمل‌آمده از پروتکل دوم الحاقی نیز امکان همزیستی دو نوع قانونگذاری داخلی (دولت‌ها و بازیگران غیردولتی) را تأیید می‌کند (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005: Para.1397&1399). آنچه مسلم است با تناقض فاحشی مواجه خواهیم شد اگر از طرفی انتظار اعطای ضمانت‌های قضایی از گروه‌های مسلح غیردولتی به افراد بازداشت‌شده داشته باشیم، حال آنکه قائل به حق بازداشت برای آنها نباشیم. در این صورت اعطای ضمانت‌های قضایی تصریح‌شده در پروتکل دوم الحاقی عاری از هرگونه آثار عملی می‌شوند.

با توجه به مطالب مذکور، پرواضح است که انتظارات برای اعطای ضمانت‌های قضایی از سوی طرفین مخاصمه در یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی که در متن پروتکل دوم الحاقی تصریح شده، لازمه اختیار و صلاحیت برای برگزاری دادگاه‌های قانونی از جانب طرفین مخاصمه است. در این خصوص سیواکوماران^۲ به دادگاه ایجادشده توسط گروه‌های مسلح غیردولتی نظیر جبهه آزادی‌بخش ملی

۱. آن دسته از گروه‌های مسلح غیردولتی که کنترل بخشی از حاکمیت سرزمینی را به‌عهده دارند، متمایز از گروه‌های چریکی‌اند که همراه با بازداشتی‌های خود مکرراً در حال نقل مکان هستند. بازداشت در این معنا در واقع مستلزم برخورداری از حداقل امکانات مادی است که متضمن کنترل حتی اندک بخشی از سرزمین دولت مربوطه است (Niyo, 2020: 5).

2. Sivakumaran

فارابوندو مارتی^۱ در السالوادور، حزب کمونیست نپال (مائوئیست انقلابی)، ببرهای آزادی بخش تامیل ایلم در سریلانکا و ... اشاره می کند (Sivakumaran, 2009: 490). دادگاههای مذکور بر اساس مبانی حقوق بین الملل بشردوستانه تشکیل می شوند و احکام خود را صادر می کنند. این دادگاهها زمینه ای را فراهم می آورند که به واسطه آن گروههای مسلح غیردولتی می توانند در خصوص مسائل مربوط به این شاخه از حقوق مشارکت کنند. در اینجا لازم است تأکید شود در خصوص دادگاههای تشکیل شده توسط گروههای مسلح غیردولتی و اشاره به آن در ماده ۳ مشترک، منظور مشروعیت بخشیدن به این دادگاهها نبوده، بلکه هدف ممانعت از اعدامهای شتابان بدون طی شدن مراحل دادرسی عادلانه و طی شدن فرایند قضایی توسط این گروههاست (لسانی، ۱۳۹۸: ۱۸۶).

۳.۵. ممنوعیت مطلق گروگان گیری در برابر بازداشت قانونی

اگر برای بازیگران غیردولتی قائل به حق بازداشت در فضای مداخلات مسلحانه غیربین المللی نباشیم، در این صورت مرز افتراق میان بازداشت و گروگان گیری که طبق ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی ممنوع شده است، نادیده گرفته می شود. نکته مهم شایسته توجه در این زمینه اینکه بر خلاف گفتمان رایج، هر محرومیت از آزادی توسط گروههای مسلح غیردولتی، گروگان گیری محسوب نمی شود. در واقع برای تمایز این دو مهم در چارچوبهای حقوقی باید توجه کرد که گروگان گیری زمانی حادث می شود که محرومیت از آزادی توأم با تهدید علیه حیات و یا آزادی افراد در ازای واگذاری امتیازات توسط شخص ثالث و با انگیزه های مالی یا سیاسی و حتی مبادله زندانیان باشد. همچنین عنصر معنوی جرم یعنی بازداشت به منظور گروگان گیری در خصوص آن احراز شود. از این رو در فقدان موارد ذکر شده، بازداشت و دستگیری افراد توسط گروههای مسلح، گروگان گیری محسوب نمی شود (Tuck, 2011: 763). «هفز» با تأکید بر بند ۱ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که به ممنوعیت بازداشت خودسرانه اشاره می کند، شمای واضحی از تفاوت میان گروگان گیری و بازداشت را به تصویر می کشاند (Heffes, 2015: 245). در این رابطه، کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر^۲ در زمینه مداخلات مسلحانه داخلی در کلمبیا این گونه استدلال کرد که بازداشت توسط بازیگران غیردولتی تا زمانی که بازداشت شدگان به عنوان گروگان تلقی نشده و با آنها بدرفتاری نشود، نقض حقوق بین الملل بشردوستانه محسوب نمی شود (OEA, 1999: 3rd Rep). در این میان بازداشت خودسرانه نیز از ممنوعیت مطلق و قطعی برخوردار است. جین پیکنت در تفسیری بر مواد کنوانسیون ژنو، در خصوص تفاوت میان بازداشت و گروگان گیری

۱. Frente Farabundo Marti para la Liberacion Nacional

۲. حزب سیاسی چپ گرا در السالوادور

2. Inter-American Commission on Human Rights

اظهار می کند که مورد اخیر همراه با تهدید نسبت به جان زندانیان و همچنین تمدید کردن دوره بازداشت (در ازای کسب امتیازات) است (Pictet, 1958: 600).

در خصوص بازداشت خودسرانه و گروگان گیری ذکر این مطلب ضروری است که در سال ۲۰۰۵، گروه کاری تحت نظارت شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل طی گزارشی بر این موضوع تأکید کرد که گروگان گیری در واقع نوع فاحش و حادی از بازداشت خودسرانه محسوب می شود و در طبقه بندی جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت قرار می گیرد (E/CN.4/2005/6). در حقیقت گروگان گیری نوع شدیدی از محرومیت از آزادی (deprivation of liberty) به شمار می آید. این اقدام در رابطه با اقدامات نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا موسوم به گروه فارک مدنظر دادگاه ویژه صلح^۱ قرار گرفت.

۳.۶. تسری قواعد بازداشت از حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی به غیر بین المللی

حقوق بین الملل بشردوستانه قواعد و هنجارهای مربوط به بازداشت را در مخاصمات بین المللی به روشنی تبیین کرده است. همان گونه که اشاره شد، کنوانسیون های سوم و چهارم ژنو، چارچوب و الزامات مربوط به بازداشت افراد را به تفصیل حتی در خصوص سرزمین های اشغالی و بازداشت افراد به دلایل امنیتی تصریح کرده اند (GC IV, 1949: Art.78(1)). از این رو استناد بر قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین المللی و اجرای آن در حوزه مخاصمات غیر بین المللی با رعایت شرایط و ضوابط مربوط به هر مخاصمه و با توجه به ماهیت هر ماده قانونی، به عنوان راهکاری قابل تأمل می تواند بررسی شود. به اعتقاد برخی مفسران، هنگامی که قواعد حاکم بر مخاصمات غیر بین المللی پاسخگوی برخی شرایط و موقعیت ها نباشد، قوانین مربوط به مخاصمات بین المللی در مقایسه و با توجه به ماهیت قوانین می تواند مورد استفاده واقع شود. بسیاری از قواعدی که در اصل تنظیم کننده درگیری های مسلحانه بین المللی بوده، به مرور زمان و به تدریج به عنوان قوانین عرفی قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی به کار رفته اند (Tadic Case, 1999: 127-96). گودمن^۲ از جمله کسانی بود که اعتقاد داشت قواعد مخاصمات بین المللی می توانند در مخاصمات غیر بین المللی بکار گرفته شوند (Goodman, 2009: 53). اگرچه انتقادهای متعددی به این موضوع وارد است، زیرا چارچوب قواعد مخاصمات غیر بین المللی بسیار محدودتر از بین المللی بوده و به طور مثال بحث مصونیت نیروهای جنگی و برخی دیگر از امتیازها در این فضا با محدودیت ها و چالش های متعددی مواجه است. چنانکه شناسایی «رزمنده» و نیز «اسیر جنگی» و اعطای امتیازات مربوط به نیروهای بازیگران غیردولتی هنوز محل چالش و بحث است (Chertoff, 2015: 5).

1. The Special Jurisdiction for Peace in Colombia

2. Goodman

در این زمینه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌عنوان یک سازمان بشردوستانه، پیشنهادهایی را با هدف متابعت هرچه بیشتر گروه‌های مسلح غیردولتی و اجرای مؤثرتر قواعد بین‌المللی بشردوستانه ارائه داد. پیشنهاد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در این خصوص متمرکز بر انعقاد توافقنامه میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی بود. چنانکه در سال ۱۹۹۱ و به پیشنهاد این کمیته، دولت کرواسی که هنوز از شرایط یک دولت و حاکمیت مستقل برخوردار نبود، طی یادداشت تفاهمی با جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی (سابق)، توافقی مبنی بر اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه را منعقد کردند. از جمله موضوعات مورد توافق گنجانیدن عبارتی با این مضمون بود که «نیروهای محاصره و بازداشت‌شده طرفین باید از شیوه‌ها و رویه‌های پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون سوم ژنو منتفع شوند» (GCH, 1949: Art.3). همچنین «غیرنظامیانی که تحت کنترل نیروهای طرف مخالف بوده و به دلایلی مرتبط با مخاصمات مسلحانه از آزادی محروم شده‌اند، بایستی از قواعد و هنجارهای مربوط به رفتار با زندانیان مطرح‌شده در کنوانسیون چهارم ژنو بهره‌مند شوند» (GCH, 1949: Art.4). البته پرواضح است که دولت‌ها همواره از اعطای امکان بازداشت به بازیگران دولتی که به‌نوعی موجودیت آنها را طبق قوانین داخلی نامشروع تلقی می‌کنند، بی‌میل و رغبت بوده‌اند. از طرفی عمومیت بخشیدن و تعمیم اعمال موارد ذکرشده در همه مخاصمات مسلحانه غیردولتی حقیقتاً امکان‌پذیر نیست. در زمینه انعقاد توافقنامه‌های خاص باید متذکر شد که اولاً به‌راحتی این‌گونه توافقات منعقد نمی‌شوند و دوماً اجرای آن به دلیل توانایی‌ها و ظرفیت‌های متفاوت گروه‌های مسلح غیردولتی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد (Heffes, 2015: 233). نکته حائز اهمیت دیگری که باید به آن توجه شود این است که به عقیده برخی پژوهشگران، تنظیم چنین توافقنامه‌هایی باید توسط حقوق بین‌الملل صورت بگیرد، زیرا چنانکه این مهم به حقوق داخلی محول شود، چارچوب قانونی منصفانه‌ای را نمی‌توان انتظار داشت (Heffes, 2015: 235).

۷.۳. لزوم انسجام قوانین و مقررات در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه

اقدام به بازداشت در طول درگیری‌های مسلحانه توسط طرفین مخاصمات یک واقعیت انکارناپذیر است. در واقع هر فعالیتی در شرایط خشونت و درگیری مسلحانه غیرعادی به‌نظر نمی‌رسد و نمی‌توان انتظار داشت همان سازوکارهایی که برای بازداشت در زمان صلح مطرح است، در زمان مخاصمات مسلحانه نیز به همان سبک و رویه باشد. از این‌رو با توجه به موارد مذکور، عدم شفافیت و سکوت قوانین در خصوص موضوع بازداشت در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی و بالأخص در خصوص بازیگران غیردولتی خلأ بزرگی محسوب می‌شود. بی‌شک قاعده‌مند شدن یک رفتار و تعریف مرزها و چارچوب‌های قانونی برای آن بهتر از مسکوت و در ابهام ماندن آن است. در این زمینه بحث انسجام قوانین و مقررات در حوزه انواع مخاصمات (بین‌المللی و غیربین‌المللی) و همچنین تأثیرگذاری بیشتر حقوق بین‌الملل بشردوستانه امری

ضروری و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. موضوع بازداشت نیز که پدیده‌ای رایج در هر دو مخاصمه محسوب می‌شود، از این قاعده مستثنا نیست و شایسته است اهمیت و وزنی مطابق با آنچه در خصوص مخاصمات بین‌المللی طی مواد متعددی در کنوانسیون سوم و چهارم ژنو مطرح است، به آن اختصاص یابد. این مهم با توجه به غالب بودن این نوع مخاصمات در عصر حاضر اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. شایسته است به‌منظور ایجاد این انسجام مقرراتی در زمینه شرایط بازداشت، مقامات مجاز برای بازداشت، مدت زمان بازداشت، اعطای تضامین قضایی، چگونگی برگزاری دادگاه‌های صالح و ... به مانند مخاصمات بین‌المللی، تصریح و تبیین شود.^۱

از طرفی با توجه به تشریفات گسترده، پیچیده و زمان‌بر اصلاح قوانین و مقررات در معاهدات بین‌المللی، می‌توان از راهکارهای دیگری یاری جست. در این خصوص طبق بند ۲ ماده ۳ مشترک، طرفین یک مخاصمه باید تلاش کنند تا از طریق موافقت‌نامه‌های خاص، تمام یا بخشی از سایر مقررات کنوانسیون حاضر را لازم‌الاجرا کنند. طی این اقدام امکان ایجاد سازوکارهای مربوط به بازداشت در مخاصمات غیربین‌المللی برای طرفین مخاصمه میسر می‌شود. انعقاد موافقت‌نامه‌های مذکور به تدریج رویه متحدالشکلی را تشکیل می‌دهد که می‌تواند الگویی برای سایر مخاصمات در جریان باشد. هم‌اکنون در حوزه آسیای پاسیفیک موارد متعددی از انعقاد توافقنامه‌ها میان حاکمیت‌ها و گروه‌های مبارز داخلی را می‌توان ملاحظه کرد. از آنجایی که جامعه بین‌المللی و بالأخص حقوق بین‌الملل حرکت به سمت پلورالیسم حقوقی (یا کثرت‌گرایی) را آغاز کرده، پذیرش نظام‌های حقوقی متعدد به اقتضای عصر حاضر اجتناب‌ناپذیر است.

۳.۸. استخراج غایت و مفهوم ماده‌های قانونی

کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین را می‌توان به تعبیری یک دائرةالمعارف حقوقی تصور کرد که تبیین‌کننده بسیاری از ابهامات بوده و تدقیق و تعمق در مواد آن می‌تواند تفسیر دقیق و معتبری از معاهدات، کنوانسیون‌ها و دیگر اسناد بین‌المللی منعقدشده در حوزه حقوق بین‌الملل و زیرشاخه‌های آن را برای ذی‌نفعان حقوقی فراهم آورد. در این زمینه طبق بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون معاهدات ۱۹۶۹ وین، تفسیر هر معاهده و ماده قانونی آن باید با حسن نیت و منطبق با معنای معمولی که به اصطلاحات آن در

۱. به عقیده نویسندگان بازداشت توسط هر گروه مسلح غیردولتی توجیه‌پذیر نیست و لازم است بازیگران مذکور از یک «شبه‌شخصیت حقوقی» یا یک «شخصیت حقوقی نسبی» برخوردار باشند. مؤلفه‌هایی نظیر برخورداری از تشکیلات، سازماندهی و فرماندهی منسجم، کنترل مؤثر بر بخشی از قلمرو سرزمینی یک دولت، ظرفیت و توانایی انجام اقدامات نظامی و برگزاری دادگاه‌های صالح و ... در این زمینه باید مدنظر قرار گیرند.

سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده می‌شود، تفسیر شود. به همین طریق تفسیر معاهدات مربوط به حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه از این رویکرد مستثنا نیست. از این رو نحوه بیان و عبارات مندرج در ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی حاکی از قصد آشکار طرف‌های متعاهد اسناد مذکور به متعهد کردن برابر طرفین مخاصمات غیربین‌المللی یعنی دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی است. از سویی هنگامی که چارچوب و سازوکار یک اقدام در متن مواد معاهده، موافقت‌نامه یا پروتکلی ذکر می‌شود، منطقی است که پیشتر اختیار و اجازه مبادرت به آن اقدام به صورت ضمنی یا به طور صریح اعطا شده باشد. موارد برشمردۀ دلایلی بر امکان اختیار ذاتی بازداشت در مخاصمات مسلحانۀ بین‌المللی است. در این زمینه باید تأکید کنیم که در مجموع حقوق بین‌الملل مبتنی بر رویکردی کل‌نگرانه است. اینکه به صراحت به امکان انجام یک رفتار یا عمل مشخص نمی‌پردازد، دلیلی بر آن نیست که احتمال وقوع یا وجود آن رفتار را منتفی می‌داند. حتی در خصوص مخاصمات مسلحانۀ غیربین‌المللی ماده ۳ مشترک صرفاً به مخاصماتی با ماهیت غیربین‌المللی اشاره می‌کند و توضیحات بیشتری در خصوص اینکه چگونه میان اغتشاشات پراکنده داخلی و این گونه درگیری‌ها تمایز قائل شویم، مطلبی عنوان نمی‌کند. به همین ترتیب مقررات قراردادی مربوط به مخاصمات مسلحانۀ بین‌المللی هیچ تعریف مشخصی از «اهداف نظامی» یا هیچ ضابطه‌ای برای تعیین ویژگی یک هدف مشخص به ما ارائه نمی‌دهد، لیکن تردیدی در خصوص اختیار حمله به اهداف نظامی در فضای این گونه مخاصمات وجود ندارد. بی‌شک اقدام به بازداشت به دلایل امنیتی به جای اینکه مانعی بر سر راه اهداف بشردوستانه باشد، وسیله‌ای برای تقویت آن می‌شود، مانند زمانی که در راستای پیش‌بینی یک حمله تروریستی و رعایت ملاحظات امنیتی، اقدام به بازداشت افراد مظنون به منظور محافظت از جمعیت غیرنظامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

۳. رویکرد دیوان عالی بریتانیا در قضیه سردار محمد به موضوع بازداشت در مخاصمات مسلحانۀ غیربین‌المللی

پرسش در خصوص این موضوع که آیا حقوق بین‌الملل بشردوستانه مبنای حقوقی را برای بازداشت افراد در مخاصمات مسلحانۀ غیربین‌المللی ایجاد کرده یا خیر، در رویه قضایی دادگاه‌های بریتانیا در قضایای سردار محمد^۱ در برابر وزارت دفاع بریتانیا و قضیه حسن^۲ در برابر دولت بریتانیا مطرح شده است. در این بخش به اختصار به بررسی قضیه سردار محمد و استدلال‌ات ارائه‌شده در این زمینه می‌پردازیم. اگرچه قضیه مذکور مربوط به شرایط یک مخاصمۀ مسلحانۀ غیربین‌المللی فرامرزی است، لیکن نکات و جزئیات

1. Serdar Mohammed v. Ministry of Defence (2014) EWHC 1369 (QB)

2. Hassan Case

مطرح شده در آن، حاکی از انعکاس دیدگاه دولت‌ها در خصوص بحث مشروعیت بازداشت در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است. بررسی موضع دادگاه در رویکردی مغایر با استدلال‌ات ارائه شده در این مقاله در زمینه مشروعیت بازداشت، در خور توجه است.

در قضیه سردار محمد در برابر وزارت دفاع بریتانیا که مربوط به بازداشت وی توسط نیروهای مسلح بریتانیا در افغانستان است، نامبرده ادعا کرد که دستگیری و بازداشت وی توسط نیروهای مسلح در افغانستان، از ۷ آوریل تا ۲۵ جولای ۲۰۱۰ و با استناد به ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بدون هیچ توجیه حقوقی و غیرقانونی بوده و همچنین از مدت مجاز بازداشت طبق ترتیبات مقرر بین نیروهای مسلح بریتانیا و دولت افغانستان فراتر رفته است.^۱ (EWHC, 2014). وی نیروهای نظامی بریتانیا را به نقض حقوق انسانی خود متهم کرده و خواستار جبران آسیب‌های ناشی از این بازداشت غیرقانونی شده بود. اینک سؤال مطرح شده در خصوص قضیه مذکور این است که «آیا مبنای قانونی برای بازداشت افراد در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد یا خیر؟ در می ۲۰۱۴، دیوان عالی بریتانیا^۲ به ریاست قاضی لگات^۳ حکم کرد که اقدام نیروهای مسلح بریتانیا در بازداشت سردار محمد، نقض ماده (۵) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده و نامبرده مستحق دریافت غرامت است (Macak, 2014: 1). در مراحل اولیه دادرسی، قاضی دیوان تصریح کرد که در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و ماده ۵ پروتکل دوم الحاقی مجوز صریحی در خصوص اجازه بازداشت افراد در مخاصمات مسلحانه داده نشده است. حداقل استانداردهایی هم که در این خصوص وجود دارد در خصوص نحوه رفتار با بازداشت‌شده‌هاست (EtCHR, 2014: Para. 242). قاضی لگات در ادامه اشاره کرد که ممکن است چنین بازداشتی تحت قوانین داخلی یک کشور که سرزمینش درگیر مخاصمه مسلحانه است مجاز و قانونی محسوب شود، ولی از عبارات مندرج در دو ماده صدرالذکر چنین اختیاری مستفاد نمی‌شود (EtCHR, 2014: Para. 239). وی در ادامه عنوان کرد که ماده‌های ذکر شده فوق هیچ اشاره‌ای ندارند مبنی بر اینکه چه کسانی، بر مبنای چه دلایلی، طبق چه رویه‌ای و برای چه مدتی باید دستگیر و بازداشت شوند؟ (EtCHR, 2014: 245). با وجود این، قاضی لگات در نتیجه‌گیری پایانی

۱. طبق توافقنامه بُن (Bonn agreement) میان نیروهای چندملیتی کمک به امنیت (ایساف) و دولت افغانستان، به نیروهای ایساف اجازه بازداشت افراد در خاک افغانستان تا سقف ۹۶ ساعت داده شده بود که پس از آن فرد بازداشت‌شده باید آزاد یا به مقامات افغان تحویل داده می‌شد. به نظر می‌رسد در تفاهم‌نامه‌ای مجزا که میان دولت بریتانیا و دولت افغانستان منعقد شد، اختیار عمل بیشتری به نیروهای مسلح آن کشور در رابطه با بازداشت اعطا شده بود (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۲۳).

2. The Supreme Court
3. Mr. Justice Leggatt

اظهار کرد که کشورها می‌توانند بر اساس قوانین داخلی و سرزمینی خود در زمینه بازداشت بازیگران غیردولتی طی مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی اقدام کنند (EtCHR, 2014: 417).

نکته بسیار مهمی که از استدلالات قاضی لگات استخراج می‌شود و به نوعی صدای جمعی دولت‌هاست، پافشاری مجدد و مکرر حاکمیت‌ها مبتنی بر این دیدگاه سنتی است که در یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی میان یک دولت و گروه‌های مسلح غیردولتی که در سرزمین آن دولت رخ می‌دهد، تنها مقامات دولتی (در قالب نیروهای مسلح) به‌طور بالقوه مجاز به بازداشت افراد به دلایل مرتبط با مخاصمات مسلحانه هستند که این امر تحت مقررات و قوانین داخلی صورت می‌پذیرد (Heffes, 2015: 233). در واقع قاضی لگات مبنای حقوقی برای بازداشت را نه در ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی، بلکه در جای دیگر یعنی حقوق داخلی جست‌وجو می‌کند. با توجه به آنچه پیشتر اشاره شد، اتخاذ چنین رویکرد و موضعی از دیوان عالی بریتانیا دور از انتظار نبود. در اختیار داشتن قدرت انحصاری حاکمیت از جمله بازداشت از خواسته‌های بی‌چون‌وچرای دولت‌ها محسوب می‌شود. در واقع تمکین گروه‌های مسلح غیردولتی از قوانین دولت سرزمینی در هر اقدامی غایت مقصود دولت‌هاست، چنانکه در ماده ۳ مشترک نیز رد پایی از این تفکر ملاحظه می‌گردد، آنجا که در عبارت پایانی ماده مذکور عنوان می‌شود که اجرای این ماده نباید بر وضعیت حقوقی طرفین مخاصمه تأثیر بگذارد و این یعنی امتناع از شناسایی بازیگران غیردولتی در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که عدم شفافیت در مورد اقدامات و فعالیت‌های بازیگران غیردولتی به‌نحوی انتخاب عمدی قانونگذاران بوده است.

علی‌ای حال از زاویه دید نویسندگان، رویه اتخاذشده توسط قاضی لگات در دیوان عالی بریتانیا و اتخاذ موضع همیشگی دولت‌ها مبتنی بر عدم شناسایی بازیگران غیردولتی و فقدان اهتمام لازم به‌منظور ایجاد زمینه‌ای برای مشارکت آنان در بحث هنجارسازی قواعد حقوق بشردوستانه، بر خلاف دکترین و اصول حقوقی (نظیر اصل برابری طرفین، ضرورت‌های امنیتی و ...) بوده و به‌طور یقین عرف موردنظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و تفسیرهای به‌عمل آمده توسط این نهاد بشردوستانه از ماده ۳ مشترک و پروتکل‌های منضم به کنوانسیون‌های ژنو نیز متفاوت از دیدگاه فعلی حاکمیت‌هاست.

۴. نتیجه

بازداشت افراد امری رایج طی درگیری‌های مسلحانه صرف‌نظر از نوع و ماهیت مخاصمه است. با کثرت مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در چند دهه اخیر، مشروعیت بازداشت افراد توسط طرفین مخاصمه به‌ویژه بازیگران غیردولتی در صدر مباحثات حقوقی قرار گرفته است. مواردی مانند سکوت و یکجانبه‌گرایی قوانین داخلی به نفع دولت‌ها، ابهامات قواعد مربوطه در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قلت منابع عرفی، این موضوع را با ابهامات متعددی مواجه ساخته است. قواعد مربوط به اختیار و مجوز

بازداشت در حوزهٔ مخاصمات مسلحانهٔ بین‌المللی در کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو به‌صراحت تبیین شده است. لیکن این امر در مخاصمات غیربین‌المللی با عدم شفافیت مواجه است. در واقع قواعد و مبنای حقوقی صریحی نه در مادهٔ ۳ مشترک و نه در پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ در خصوص بازداشت در این نوع مخاصمات وجود ندارد و هرگونه رهیافت در خصوص آن را باید در قوانین داخلی کشورها، قطعنامه‌های شورای امنیت، سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای قضایی و غیره جست‌وجو کرد. چنانکه دیوان عالی انگلستان در قضیهٔ سردار محمد در برابر وزارت دفاع بریتانیا، بازداشت افراد در مخاصمات مسلحانهٔ غیربین‌المللی را در نهایت به حقوق داخلی کشورها و موضع حاکمیت‌های سرزمینی منوط کرده است. در واقع رأی مذکور تأییدی بر دیدگاه سنتی دولت‌هاست مبنی بر اینکه در شرایط مخاصمهٔ مسلحانهٔ غیربین‌المللی تنها نیروهای دولتی به‌عنوان نمایندگان حاکمیت سرزمینی مجاز به بازداشت هستند و چنین مجوزی در خصوص گروه‌های مسلح غیردولتی سلب می‌شود. با وجود این رویکرد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مبنی بر اعطای اختیار و قدرت ضمنی به گروه‌های مسلح غیردولتی به‌منظور اقدام به بازداشت است. این امر نشأت گرفته از ماهیت اجتناب‌ناپذیر مخاصمات است. رویه و رفتار دولت‌ها، ارکان سازمان ملل، کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ، کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر و دیگر نهادهای بین‌المللی حاکی از تأیید ضمنی بازداشت توسط گروه‌های غیردولتی در مخاصمات غیربین‌المللی است تا مادامی که خودسرانه و نقض قواعد حقوق بشردوستانه تلقی نشود. از طرفی توجیه بازداشت توسط این بازیگران با یاری جستن از قواعد عرفی و استناد به اصولی چون برابری طرفین مخاصمه، اصل کسب منفعت نظامی، ضرورت‌های نظامی و امنیتی توجیه‌پذیر است. البته شایان توجه است که اختیار به بازداشت (حتی به‌صورت ضمنی) طبق تفسیر و معنای مادهٔ ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی، ممکن است سبب ایجاد نگرانی‌هایی نیز شود. ایجاد ابهاماتی نظیر اینکه آیا گروه‌های مسلح غیردولتی قادر به اجرای قوانین هستند؟ آیا دادگاه‌های تأسیس شده توسط گروه‌های مذکور «به‌طور منظم و مستمر» برگزار می‌شوند؟ و آیا از ظرفیت لازم جهت ارائهٔ تضمین‌های اساسی و قضایی برخوردارند؟

در پایان، از آنجایی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه اقدام به بازداشت را در مخاصمات مسلحانهٔ غیربین‌المللی به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر به‌صراحت شناسایی نکرده است، از این‌رو شفاف‌سازی قواعد مربوط به این فعالیت بسیار ضروری است. بدون شک این مهم با هدف حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌منظور حمایت مؤثرتر از افراد نیز سازگارتر است. از این‌رو اتخاذ راهبردهایی نظیر به‌قاعده درآوردن اقدام به بازداشت توسط گروه‌های مسلح غیردولتی، صدور قطعنامه‌های هنجارساز توسط شورای امنیت، تدوین پروتکل‌های الحاقی و تکمیلی در حوزهٔ حقوق بشردوستانه، تقویت و توسعهٔ حقوق داخلی^۱

۱. در قوانین داخلی و قطعنامه‌های شورای امنیت تاکنون به‌طور مستقیم مبنای حقوقی برای بازداشت افراد توسط گروه‌های

و انعقاد تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌های دوجانبه میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی می‌تواند چارچوب درگیری‌ها را برای طرفین مشخص و رفع ابهام کند.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. قاسمی، غلامعلی؛ کرمی، موسی؛ زندی، ریحانه (۱۴۰۲). حمایت از بازداشت‌شدگان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی در نظام بین‌المللی حقوق بشر: با نگاهی به قضیه سردار محمد علیه وزارت دفاع انگلستان. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۴(۱)، ۴۱۳-۴۳۲. <https://doi.org/10.22059/JCL.2022.338592.634313>
۲. لسانی، حسام‌الدین (۱۳۹۸). مشروعیت محاکم قضایی ایجادشده توسط گروه‌های مسلح غیردولتی. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۲۱(۶۴)، ۱۸۳-۲۰۴. <https://doi.org/10.22054/qjpl.2019.38661.2057>

۲. انگلیسی

A) Books

1. Heffes, E.(2022). *Detention by Non-State Armed Groups Under International Law*. Cambridge University Press.
2. Moir, L. (2002). *The Law of Internal Armed Conflict*. Cambridge University Press.
3. Pictet, J.S. (1958). *The Geneva Conventions of 12 August 1949 Commentary*. Geneva International Committee of the Red Cross.

B) Articles

4. Abdalla, M. S. (2015). Detention by Non-State Armed Groups: Defining the Applicable Laws and Rules. *University of Nairobi School of Law*, 1-131. <http://hdl.handle.net/11295/97518>.
5. Albert, K. (2023). Detention by Armed Groups: Legal and Practical Challenges. *SSRN*, 1-18. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4336923>
6. Chertoff, E., Domínguez, L., Manfredi, Z. & Tzeng, P.J.D (2015). State Responsibility for Non-State Actors That Detain in The Course of a NIAC. *Center for Global Legal Challenges*, Yale Law School, 1-42.
7. Clapham, A. (2017). Detention by Armed Groups under International Law. *International Law Studies*, (93), 1-44. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2926502>.
8. Dormann, K. (2012). Detention in Non-International Armed Conflicts. *International Law Studies*, Vol.88, 347-366.

مسلح غیردولتی پیش‌بینی نشده است. لیکن انعقاد موافقت‌نامه‌های خاص به ندرت اتفاق افتاده است، نظیر یادداشت تفاهم میان یوگسلاوی و کرواسی (۱۹۹۱) (Chertoff et al., 2015: 1).

9. Goodman, R. (2009). The Detention of Civilians in Armed Conflicts. *The American Journal of International Law*, 103(1), 48-74. <https://doi.org/10.2307/20456721>.
10. Heffes, E. (2015). Detentions by Armed Opposition Groups in Non-International Armed Conflicts. *Journal of Conflict & Security Law*, 20(2), 229-250. <https://doi.org/10.1093/jcsl/kru024>
11. Macak, K. (2014). No Legal Basis under IHL for Detention in Non-International Armed Conflicts? A Comment on Serdar Mohammed v. Ministry of Defence. *Available at: Ejiltalk.Org*, 1-12.
12. Murray, D. (2017). Non-State Armed Groups, Detention Authority in Non-International Armed Conflict, and the Coherence of International Law: Searching for a Way Forward. *Leiden Journal of International Law*, 30(2), 435-456. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0922156517000061>.
13. Niyo, J.J. (2020). Non-State Armed Groups and The Power to Detain in Non-International Armed Conflict, *Israel Law Review*, 53(1), 3-33. DOI:10.1017/S0021223719000207.
14. Olson, L.M., & Sassoli, M. (2008). The Relationship between International Humanitarian and Human Rights Law Where It Matters: Admissible Killing and Internment of Fighters in Non-International Armed Conflicts, *IRRC*, (871), 599-627.
15. Opara, L.C. (2019). Rethinking existing detention laws and policies in non international armed conflicts under International Humanitarian Law. *Nnamdi Azikiwe University Journal of International Law and Jurisprudence*, 10(1), 59-68.
16. Sivakumaran, S. (2009). Courts of Armed Opposition Groups. Fair Trial or Summary Justice?, *Journal of International Criminal Justice* 7, 489-513. <https://doi.org/10.1093/jicj/mqp039>.
17. Tuck, D. (2011), Detention by Armed Groups: Overcoming Challenges to Humanitarian Action, *International Review of the Red Cross*, 93(883), 759-782. doi:10.1017/S1816383112000069.
18. Zegveld, L. (2002). Accountability of Armed Opposition Groups in International Law, Cambridge University Press, 145-162. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511495199>

C) Documents & Reports

19. Additional Protocol (II) to the Geneva Conventions, 1977.
20. Common Article 3 of Geneva Conventions, 1949.
21. European Convention on Human Rights (EtChR)(1953).
22. Geneva Convention (III) on Prisoners of War, 12 August 1949.
23. Geneva Convention (IV) on on Civilians, 12 August 1949.
24. Henckaerts. Jean-Marie and Doswald-Beck. Louise (2005). "Customary International Humanitarian Law", ICRC.
25. ICCPR (International Covenant on Civil and Political Rights)(1966).
26. ICRC (2011). New Releae, No.05/51
27. ICRC (2014). "Internment in Armed Conflict: Basic Rules and Challenges". International Committee of the Red Cross (ICRC) Opinion Paper.
28. ICRC (2015). " International humanitarian law and the challenges of contemporary armed conflicts". 32nd International Conference of the Red Cross and Red Crescent. Geneva. Switzerland.

29. ICRC (2016), International Humanitarian Law Databases, Convention (I) for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field. Geneva, 12 August 1949, Commentary of 2016.
30. ICRC (2023). "Detention by Non-State Armed Groups". Available at: <https://www.icrc.org/en/document/detention-non-state-armed-groups>.
31. ICTY (2008). (Case No. IT-96-21-A bis: Prosecutor v. Mucić: Order of the President in Response to Zdravko Mucić's Request for Early Release).
32. IRRC (2009). "Expert meeting on procedural safeguards for security detention in non-international armed conflict". International Review of the Red Cross, Vol. 91, No. 876, pp.859-881.
33. Serdar Mohammed v Ministry of Defence [2014] EWHC 1369 (QB).
34. The Inter-American Commission on Human Rights (IACHR) (1959).
35. The Steering Committee for Human Rights (CDDH) (1974). The 1974 Diplomatic Conference on Humanitarian Law.

C) Websites

36. Mohan, Ch. (2022). Detention For Security Reasons in Non-International Armed Conflicts. *Cirsd*, Available at: <https://www.cirsd.org/en/expert-analysis/detention-for-security-reasons-in-non-international-armed-conflicts>.
37. Viswanath, R. (2020). To Detain or not to Detain? Deciphering Detention in Non-International Armed Conflicts ,IntLawGrrls, Available at: <https://ilg2.org/2020/10/21/to-detain-or-not-to-detain-deciphering-detention-in-non-international-armed-conflicts/>.